

کیهان

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

اتصال به جماعت از طریق بانوان

س) اگر در نماز جماعت، بانوان طوری قرار بگیرند که امکان اتصال برخی از مردان به صف جماعت مردان ممکن نباشد: آیا صحیح است این مردان از کنار یا پشت سر گروه بانوان اقتدا کنند و به واسطه آنان به جماعت متصل شوند؟

ج) با دو شرط اتصال مردان به واسطه بانوان اشکال ندارد، نخست: اگر زن و مرد کنار یکدیگر باشند یا زن جلوتر باشد باید بین آنها (حتی اگر محرم باشند) حداقل یک وجب فاصله باشد دوم: پرده و مانند آن برای بانوان و آقایان (قبل یا بعد از گروه بانوان) وجود نداشته باشد و گرنه بنابر احتیاط واجب جماعت آقایانی که از طریق بانوان اتصال دارند، صحیح نیست.

اجاره به شرط قرض

س) برای اجاره مغازه، دریافت قرض‌الحسنه (رهن عرفی) یا کم و زیاد کردن قرض‌الحسنه (رهن عرفی) در مقابل اجاره بها چه حکمی دارد؟

ج) به طور کلی اجاره به شرط قرض صحیح است (مثلاً اگر صاحب مغازه به مستأجر بگوید: «مغازه‌ام را به این مبلغ معین- مثلاً ده هزار تومان- به شما اجاره دادم به شرط اینکه فلان مبلغ معین- مثلاً صد هزار تومان- به من قرض‌الحسنه بدهید» و مستأجر قبول کند، اشکال شرعی ندارد). ولی قرض به شرط اجاره، صحیح نیست و در صورت اّول هم باید اجاره به نحو متعارف باشد، یعنی به اندازه‌ای کم نباشد که عرفاً اجاره بر آن صدق نکند و از همین جا معلوم شد اجاره به شرط رهن کامل (یعنی در قبال دریافت قرض، هیچ مبلغی را از مستأجر طلب نکند) نیز صحیح نمی‌باشد؛ و در هر صورت، نماز و وضویی که در مغازه یا رضایت و اجاره صاحب مغازه انجام شده، صحیح است.

خمس مازاد اربعین

س) برای سفر اربعین دینار خریدم که مقداری از آن اضافه آمده و می‌خواهم برای اربعین سال آینده از آن استفاده کنم؛ با توجه به اینکه زمان مصرف کمتر از یک‌سال دیگر است؛ آیا باید خمس آن را ببردارم؟

ج) اگر دینار از درآمد کسب بین سال، تهیه شده، سر سال خمسی به قیمت روز بازار مشمول خمس می‌شود.

اقتدا به امام جماعت ناشناس

س) در اماکن عمومی و تجمعات همانند پیاده‌روی اربعین، راهپیمایی‌ها و در جاده‌ها گاهی یک روحانی که برای جمع ناشناس است، امام جماعت می‌شود که در آن شرایط برای شناختن عدالت او فرصت نیست؛ آیا همین که طلبه‌ای ظاهر‌الصلاح باشد برای خواندن نماز پشت سر او کفایت می‌کند؟

ج) برای احراز عدالت، حسن ظاهر، کافی است و نیز اگر با اقتدای عده‌ای به امام جماعت، اطمینان به آن حاصل شود کفایت می‌کند.

* حسن ظاهر یعنی رفتار و کردار آن شخص که مشاهده می‌شود، بر طبق میزان شرع است و گاهی از او دیده نشده است و تشخیص آن به عهده مکلف است.

طراحان تشکیل جبهه واحد در مقابل دشمنان اسلام

ما خود شیعه هستیم و افتخار پیروی اهل‌البیت(ع) را داریم کوچک‌ترین چیزی حتی یک مستحب و یا مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی‌دانیم؛ نه توقع کسی را در این زمینه می‌پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام صلحت و به خاطر اتحاد اسلامی از یک اصل از اصول خود دست بردارند. آنچه ما انتظار و آرزو داریم این است که محیط حسن تقاضه به وجود آید تا ما که از خود قبول و فروغی داریم، فقه و حدیث و کلام و فلسفه و تفسیر و ادبیات داریم، بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم تا تشیعه بیش از این در حال انزوا به سر نبرد و بازارهای مهم جهان اسلامی به بوی کالای نفیس عرفان اسلامی غرق بسته نباشد. اخذ مشترکات اسلامی که در هر مختصاف هر فرقه‌ای نوعی خرق اجماع مرکب است و محصول آن چیزی است که قطعا غیر از اسلام واقعی است، زیرا بالاخره مختصات یکی از فرق جزء متن اسلام است و اسلام مجرد از همه این مشخصات و ممیزات و مختصات وجود ندارد.

گذشته از همه اینها طراحان فکر عالی اتحاد اسلامی که در عصر ما مرحوم آیت‌الله‌المطهری بروجردی(قدس‌الله‌سره) در شیعه و علامه شیخ عبدالمجید سلیم و علامه شیخ محمود شلوت در اهل تسنن در رأس آن قرار داشتند، چنان طرّحی را در نظر نداشتند؛ آنچه آن بزرگان در نظر داشتند این بود که فرقه‌های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام و فقه و غیره با هم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که به میان آنها هست می‌توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل دهند. این بزرگان هرگز درصدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی - که هیچ‌گاه عملی نیست- نبودند.

فرق وحدت حزب و وحدت جبهه

در اصطلاحات معمولی عرف، فرق است میان حزب واحد و جبهه واحد. وحدت حزبی ایجاب می‌کند که افراد از نظر فکر و ایدئولوژی و راه و روش و بالاخره همه خصوصیات فکری به استثناء مسائل شخصی، یکرنگ و یک جهت باشند. اما معنی وحدت جبهه این است که احزاب و دسته‌جات مختلف در عین اختلاف در مسلک و ایدئولوژی و راه و روش، به واسطه مشترکاتی که میان آنها هست، در مقابل دشمن مشترک که یک صف جبهه‌بندی کنند و بدیهی است که صف واحد در برابر دشمن تشکیل دادن، با اصرار در دفاع از مسلک خود و انتقاد از مسلک‌های برادر و دعوت سایر برادران هر جبهه به مسلک خود به هیچ‌وجه منافات ندارد. آنچه مخصوصاً مرحوم آیت‌الله‌المطهری بروجردی بدان می‌اندیشید این بود که زمینه را برای یخش و انتشار معارف اهل‌البیت در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حسن تفاهم آنها پذیر نیست.

استاد شهید مطهری، امامت و رهبری، ص ۱۷

نقش مستقیم و غیر مستقیم زن در تاریخ

منظور ما از نقش داشتن و نقش نداشتن زن در تاریخ، نقش مستقیم و ظاهر شدن زن در صحنه تاریخ است، اما نقش غیرمستقیم و پشت جبهه و صحنه را زن همواره برای خود محفوظ داشته است.

زنان در طول تاریخ تنها مولود و زاینده مردان و پرورش‌دهنده جسم آنها نبوده‌اند، بلکه الهام‌بخش و نیرودهنده و مکمل مردانگی آنها بوده‌اند. زنان از پشت صحنه، از پشت جبهه جنگ همواره به مردان مردانگی می‌بخشیدند. مادربزرگ و بر بسیاری از اشعار حماسی عربی و فارسی می‌بینیم که دلبران دلاوران در حماسه‌های خود زنان را مخاطب قرار داده و از مردانگی و شجاعت و دلاوری خود داد سخن داده‌اند. گویی مرد آگاهانه و یا ناگاهانه از همه دل‌بری‌ها و دلاوری‌های خود رضایت و تحسین و جلب رضایت زن را منظور می‌داشته است... اینکه زن گویند زن آینه‌اند عشق است و عشق آفریننده مرد و مرد آفریننده تاریخ، ناظر به نقش غیرمستقیم زن در سازندگی تاریخ است. زن نقش سازندگی غیرمستقیم تاریخی خود را مدیون اخلاق ویژه جنسی خویش، یعنی حیا و عفاف و تقوا و دورباش زانته خویش است، از این‌رو گویی نوعی تضاد و تعارض میان این دو نقش وجود دارد؛ با نقش غیرمستقیم و بیرون بودن، با نقش مستقیم و پشت جبهه را رها کردن و نقش غیرمستقیم نداشتن. اما در حقیقت تضاد و تعارض غیرقابل جمعی در کار نیست...

استاد مطهری، پیامون جمهوری اسلامی، صص ۴۶- ۴۵

جاسوسی به معنای گردآوری پنهانی اطلاعات و اسرار نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، صنعتی یا عناوین گزیر واقعی و پنهانی از جمله عنوان خبرنگاری به نفع یکی از دو طرف درگیر و متخاصم، در همه قوانین جوامع بشری جرم و گناه نابخشودنی است که گاه حکم آن، فراتر از «تعجید»، «قتل» به بدترین شکل به عنوان سنت و قانون تبدیل‌ناپذیر الهی است(حزاب، آیات ۶۰ تا ۶۲)

بر اساس آیات قرآن، جاسوسی برای دشمنان اسلام و مسلمانات، چون مصداقهای چون ظلم(بیت، آیات ۲۲ و ۴۷) و خیانت(انفال، آیات ۲۷) است و جاسوسان نه تنها در دنیا به سبب جرم و خیانت مورد مجازات و کیفر دنیوی قرار می‌گیرند که برای آنان ذلت‌آور خواهد بود(مائده، آیه ۴۱)، بلکه به سبب گمراهی از آموزه‌های دین رفتار غلط اخروی می‌شوند(ممتحنه، آیات ۱ و ۱۲ و مجادله، آیه ۱۴ بقره، آیات ۸ و ۱۰ و مائده، آیه ۴۱)

جاسوسان به‌خاطر ارتباط مودت‌آمیز با دشمنان، بلکه به سبب پذیرش ولایت طاوونی دشمنان، از ولایت الهی خارج می‌شوند؛ خطر چنین دشمنانی برای امت اسلام بسیار خطرناک‌تر از کارفران حربی است که در خارج از جامعه اسلامی علیه اویش و مسلمانان کارزار دارند؛ زیرا جاسوسان با «تفاق» خویش از هر فتنه‌ای خطرناک‌تر برای امت اسلام و جامعه اسلامی هستند؛نقش آنان بسیار مخرب و زاینبار است(بقره، آیات ۸ و ۹ و عمران، آیه ۲۸؛ توبه، آیات ۲۵ و ۴۷ و مائده، آیه ۴۱) زیرا نه تنها اخبار و اطلاعات، امت و دولت اسلامی را در اختیار دشمنان می‌گذارند، بلکه با همراهی در جنگ نرم روانی در درون مرزها، تکانه‌های شدیدی را موجب می‌شوند که اعصاب و روان مردم به ویژه مسلمانان سست ایمان را به هم می‌ریزند و حتی بستر آشوب اجتماعی را فراهم می‌کنند(حزاب، آیات ۵۹ و ۹۰) جریان نفاق و منافقان که اکثریت جاسوسان را در میان امت اسلام تشکیل می‌دهند، در مقامات و نقاط حساس نظام لایه نفوذ می‌کنند تا امکان دسترسی به مهم‌ترین اطلاعات و اخبار را داشته باشند. از همین رو قرآن به ویژگی‌هایی چون «خروج معکم»، «خیال» و «خلال» ایشان توجه می‌دهد که نه تنها کار شناسایی چهره جاسوس را سخت می‌کند، بلکه دسترسی به اطلاعات و اخبار مهم و حساس را برای جاسوسان آسان می‌سازد. این افراد در حالی که کافر هستند، به عنوان مسلمان و مؤمن در میان امت و مناصب و مقامات حساس نفوذ کرده و در خدمت دشمنان قرار می‌گیرند(توبه، آیات ۲۲ و ۴۷ و مائده، آیه ۴۱؛ ممتحنه، آیه ۱)

از نظر قرآن، یکی از ویژگی‌های منافقان در میان امت اسلام، نقش «سماعون» بودن آنان نسبت به دشمنان است؛ یعنی آنان گوش دشمنان هستند و اخبار و اطلاعات امت اسلام را جمع‌آوری کرده و به دشمنان می‌رسانند. (مائده، آیه ۴۱)

بر اساس گزارش‌های قرآنی، جاسوسان می‌توانند حتی به درون زندگی حاکمان امت وارد شوند و اطلاعات و اخبار نهان و حساس رهبران را در اختیار دشمنان قرار دهند؛ چنان‌که خدا از خیانت زن نوح و زو لوط یاد می‌کند که اخبار پیامبران را به طور نهان در اختیار دشمنان ایشان قرار می‌دادند(تحریم، آیه ۱۰)

نهی از تجسس در امور فردی

انسان بر اساس فطرت الهی، دارای سنت‌های فطری است که به طور فطری آن را می‌شناسد و بدان گرایش دارد؛ زیرا عقلانیت‌طوری که در برابر هر نفس انسانی سرشته شده، حقایق و مصادیق آن را قبیل عدالت، صداقت، امانت، وفا، شکر و مانند آنها از او صادقانه چون ظلم، کذب، خیانت، بی‌وفایی و نقض عهد، کفران و مانند آنها را می‌شناسد؛ و به مفاصلش گرایش را از او صادقانه عنوان باطل‌گیرش دارد(طه، آیه ۵۰، شمس، آیات ۷ تا ۱۰ بقره، آیات ۲۱ و ۲۰ و ۳۱ و ۱۲۸)

بنابراین انسان به طور فطری اهل عدالت و صداقت و امانت و وفا است، چنان‌که این امر را در کودکان پیش از تعلیم نادرست اولیای امور می‌توان یافت.

آموزه‌های پیامبران درصدد است تا دین به مند نور عقل طریقه بود و انسان را از ساحت تقابل بر مدل عدالت تقابلی که همان بدی در برابر بدی و نقابلی بر برابر نیکی است(بقره، آیه ۱۹۴ و الرحمن، آیه ۲۰)، به سطح مکرم اخلاقی «نیکی در برابر بدی و زشتی» برسانند(فصلت، آیات ۲۵ و ۳۵)

آموزه‌های قرآن که تطابق کامل با نور هدایت عقل فطری دارد(روم، آیه ۳۰) بر آن است تا انسان را به حد اعلای کمال برساند تا انوار اسمای الهی در او تجلی تمام شود.

شبهه: ستاره داوود چیست و چرا از نظر یهودیان اهمیت دارد؟
پاسخ:
نقشی که امروزه به عنوان «ستاره داوود» معروف شده، از دو مثلث تشکیل شده؛ قاعده یکی رو به پایین (به شکل هرم) و قاعده دیگری رو به بالا (هرم معکوس) است و به این ترتیب، ستاره‌ای شش‌گوش (شش‌پَر) درست می‌شود.
امروزه صهیونیست‌ها چنین تبلیغ می‌کنند که این ستاره، منسوب به حضرت داوود(ع) و نماد قوم یهود است.

آنچه سستاره داوود خوانده می‌شود، همان ستاره شش‌گوش یا شش‌پَری است که به عنوان یک شکل هندسی، در طول تاریخ در میان اقوام مختلف به کار می‌رفته و در دوره‌های مختلف در تمدن اسلامی نیز کاربرد داشته است. دقیقاً معلوم نیست از چه زمانی یهودیان آن را به عنوان نماد قوم یا اندیشه خویش برگزیدند؛ ولی قدر متیقن این است که این نقش در اولین کنگره جهانی صهیونیست‌ها در سال ۱۸۹۷ م، به عنوان نقش پرچم صهیونیسم انتخاب و از آن پس، به نماد صهیونیسم تبدیل شد.

بوده است؛ و از آن‌جا که در دستگاه تبلیغاتی صهیونیسم، این نماد اهمیت بسیاری دارد، با استناد به وجود چنین نقشی در بناهای تاریخی و آثار باستانی، پیشینه‌ای طولانی برای خود ادعا می‌کنند؛ اما درستی این باور، از نگاه پژوهشگران محل تردید است.
ارتباط ستاره شش‌گوش با قوم یهود
ارتباط نقش ستاره شش‌گوش با حضرت داوود، نه‌تنها مسلم نیست؛ بلکه محل اختلاف محققان است و بر فرض هم که بپذیریم آن را پیامبر خدا از چنین نقشی در وسایل شخصی خود استفاده می‌کرده، بازهم به این معنا نیست که پیش از آن حضرت و نیز در زمان آن حضرت، دیگران از چنین نقشی استفاده نمی‌کردند؛ در نتیجه، اختصاص دادن این نقش به یهود ادعایی بی‌دلیل است. درباره اینکه این نقش چگونه به نماد یهودیت تبدیل شد، اختلاف است.
براساس آنچه در پایگاه اینترنتی «مجمن کلییمان ایران» آمده، «مثلثی که رأس آن رو به بالا است و شکل هرم دارد، سمبل قدرت صرماریان و دیگری که بر فرازگون است، نشانه این است که با قدرت الهی، ظالمان سرنگون می‌شوند؛ ولی در مورد نماد یا پیشی ستاره داوود، اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را سپر حضرت داوود می‌دانند ولی برخی دیگر شکل‌گیری این ستاره را از قرن ششم و هفتم میلادی می‌دانند که براساس عرفان یهود، دارای ارزش‌های متفاوتی است.»^(۱)

معارف

بِسْمِ اللَّهِ وَلَمْ يُسَلِّمْ بَقِيلَهُ، لَا تَتَّبِعُوا غُرَاتِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ غُرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ غُرَّتَهُ، وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ غُرَّتَهُ يَفْضَحْهُ؛ ای جماعتی که به زبان اسلام آورده و به دل اسلام نیاورده‌اید؛ به دنبال یافتن لغزش‌های مسلمانان نباشید؛ که هر کس لغزش‌های مسلمانان را پی‌جویی کند، خداوند لغزش او را پی می‌گیرد و هر کس که خداوند او را عیب‌جویی کند، رسوایش می‌سازد(الکافی، ج ۲، ص ۲۵۵، حدیث ۴)

امام صادق(ع) از تفتیش عقاید مردم نهی کرده و فرموده است: لَا تَفْتِشِ النَّاسَ عَنْ أَدْبَانِهِمْ فَيُتْبِقِيَ بِلَا ضَدِيقٍ؛ از دین و آیین مردم پرس‌وجو مکن که بی‌دوست می‌مانی، (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۲، حدیث ۱۰۹۶)

آنچه گفته شد مربوط به حرمت تجسس در امور و احیاج و مستحیاج و حرمات و مکروهات و مباحات یاد می‌شود؛در راستای تحقق اتمام مکرم اخلاقی،اموری چون نفاق و احسان واجب و مستحب می‌شود و اموری چون کم‌فروشی و بخل حرام می‌گردد و غیبت و تجسس در امور دیگران و کسب اخبار و اطلاعات از زندگی شخصی آنان حرام می‌شود.(احقرات، آیات ۱۱ و ۱۲)

جاسوس و جاسوسی از نگاه اسلام

صفر قهرمانی |



از نظر قرآن، حسن ظن درباره دیگران «خیر» است(نور، آیات ۱۱ و ۱۲)، چنان‌که برخی بدگمانی‌ها حرام است.(حجرات، آیه ۱۲) همچنین تجسس و تحسس در زندگی شخصی مؤمنان حرام و گناه است؛ زیرا این امر می‌تواند بستر بسیاری از گناهان دیگر شود(همان)

از همین رو پیامبر خدا (صلی‌الله علیه و آله) می‌فرماید: اِتَّكِمِ الْظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَ لَا تَحْسَبُوا، وَ لَا تَحْتَسِبُوا؛ از گمان دوری کنید؛ زیرا گمان دروغ‌غیر سخن است. در پی شنیدن سخن مردم و کشف عیب آنان نباشید. (صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۸۵، حدیث ۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ وَلَمْ يُسَلِّمْ بَقِيلَهُ، لَا تَتَّبِعُوا غُرَاتِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ غُرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ غُرَّتَهُ، وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ غُرَّتَهُ يَفْضَحْهُ؛ ای جماعتی که به زبان اسلام آورده و به دل اسلام نیاورده‌اید؛ به دنبال یافتن لغزش‌های مسلمانان نباشید؛ که هر کس لغزش‌های مسلمانان را پی‌جویی کند، خداوند لغزش او را پی می‌گیرد و هر کس که خداوند او را عیب‌جویی کند، رسوایش می‌سازد(الکافی، ج ۲، ص ۲۵۵، حدیث ۴)

امام صادق(ع) از تفتیش عقاید مردم نهی کرده و فرموده است: لَا تَفْتِشِ النَّاسَ عَنْ أَدْبَانِهِمْ فَيُتْبِقِيَ بِلَا ضَدِيقٍ؛ از دین و آیین مردم پرس‌وجو مکن که بی‌دوست می‌مانی، (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۲، حدیث ۱۰۹۶)

حکم جاسوسی در اسلام
جاسوسان علیه اسلام و مسلمان به سبب خیانت، در دنیا گرفتار خواری و ذلت‌مانده (۴) و در آخرت گرفتار عذاب‌های الهی می‌شوند.(بقره، آیات ۸ تا ۱۰ و مائده، آیه ۴۱؛ تحریم، آیه ۱۰)

حکم قتل جاسوسان نه تنها حکم قرآنی بلکه سنت و سیره رسول‌الله(ص) است که بدان عمل کرده است. ابی داوود در سنن خویش درباره فرات بن حِثَّان -می‌نویسد: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَمَرَ بَقِيلَهُ، وَ كَانَ عَيْنًا لَأَبِي سَفْيَانَ، وَ كَانَ خَلِيفًا لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَفَزَّ بِخَلْفِهِ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: إِنِّي مُسْلِمٌ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُ يَقُولُ: إِنِّي مُسْلِمٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ مَنكُم رَجُلَانِ تَكْلُمُهُ إِلَى إِيْمَانِهِمْ، مِنْهُمْ فَرَأْتُ بِن حِثَّانَ؛ پیامبر خدا دستور قتل او (فرات) را، چون جاسوس ابو سفیان بود، صادر کرد و او هم‌پیمان مردی از انصار بود پس بر گروهی از انصار گذشت و گفت: من مسلمان هستم، مردی از انصار گفت: ای جاسوس خدا او می‌گوید، من مسلمانم. پیامبر فرمود: افرادی از شما هستند که آنها به ایمانسان وامی‌گذاریم؛ یکی از آنها فرات بن حِثَّان است.(سنن ابی داوود، ج ۳، ص ۴۸، حدیث ۲۵۸۲)

همچنین در کتاب سنتی ابی داوود به نقل از سلمه بن اکوع آمده است: أَنِّي السَّبِيْعُ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْمَشْرِكِيِّ وَ هُوَ ابْنُ بَنِي نَفَرٍ، فَيَحْسِبُ عِنْدَ أَصْحَابِهِ ثُمَّ أُتْسِلَ، فَقَالَ السَّبِيْعُ: اطْلُبُوهُ فَاقْتُلُوهُ، فَسَفَيْتُهُمْ إِلَيْهِ فَقَتَلْتُهُ، وَ اخَذْتُ سَلْبَةً فَتَقَلَّتْنِي إِثْرَهُ؛ در یکی از سفرهای پیامبر، جاسوسی از فراتش‌های حضرت آمد و کتل اصحاب حضرت نشست و سپس ناپدید شد(مناسک، آیه ۲۰)

از عملکرد پیامبران الهی دانسته می‌شود که نه تنها تجسس برای کشف امور اجتماعی و توطئه‌ها علیه امت و دولت اسلامی جایز و رواست، بلکه حتی جاسوسی لازم و واجب است تا امنیت دولت و امت اسلامی صیانت شود
از همین روست که حضرت سلیمان نبی(ع) مجموعه‌ای در اختیار داشت که در حالت تجسس در ممالک گوناگون بود
د که از معروف ترین آنها داستستان جاسوسی دهد
د که به عنوان بستر بسیاری از گناهان دیگر شدن(همان)

پیامبر مکرم اسلام(ص) نیز افرادی را برای جاسوسی به میان دشمنان و مخالفان اعزام می‌کرد. امام (رضاع) می‌فرماید: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَاتَّهَمَ أَمِيرًا، بَعَثَ مَعَهُ مِنْ نَفَاقَةٍ مِنْ يَتَجَسَّسُ لَهَا خَبْرَهُ؛ پیامبر خدا نخست سباهی را گسیل می‌داشت و به فرماندهی پیامبران بود یکی از افراد مورد اعتماد خود را به عنوان جاسوس همراه او می‌فرستاد(وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۴، حدیث ۹۸، حدیث ۱۲۵۱۸)

با تاریخ آن نیست. وی بصراحت معتقد است که «ستاره شش‌پر، یک نماد یهودی نیست و پیش از این نمی‌توانست نماد یهودیت باشد. درواقع تا اواسط قرن نوزدهم به حد هیچ محقق و کالیابستی^(۱) نمی‌رسید که در راز معنایی یهودی این نقش تحقیق کنند. این نقش، در کتب دینی یهود و در هیچ‌یک از ادبیات حسیدی^(۲) ذکر نشده است.» به گفته او، این نقش از سده هفدهم میلادی به عنوان نماد یهودیان پرگ (در کشور چک) از سوی حکومت هابسبورگ بر آنها تحمیل می‌شود و در سده نوزدهم به‌ عنوان نماد یهودیان در غرب شهرت می‌یابد. سپس در اولین کنگره جهانی صهیونیست‌ها (بال سوییس، ۱۸۹۷ م) ستاره شش‌پری از یک رنگ به عنوان نقش پرچم صهیونیسم انتخاب می‌شود.^(۳)

نتیجه‌گیری:

آنچه ستاره داوود خوانده می‌شود، همان ستاره شش‌گوش یا شش‌پَری است که به عنوان یک شکل هندسی، در طول تاریخ در میان اقوام مختلف به کار می‌رفته و در دوره‌های مختلف در تمدن اسلامی نیز کاربرد داشته است. دقیقاً معلوم نیست از چه زمانی یهودیان آن را به عنوان نماد قوم یا اندیشه خودمی‌دانند؛ ولی قدر متقن این است که این نقش در اولین کنگره جهانی صهیونیست‌ها در سال ۱۸۹۷ م، به عنوان نقش پرچم صهیونیسم انتخاب و از آن پس، به نماد صهیونیسم تبدیل شد.
براساس آنچه در پایگاه اینترنتی «مجمن کلییمان ایران» آمده، «مثلثی که رأس آن رو به بالا است و شکل هرم دارد، سمبل قدرت صرماریان و دیگری که بر فرازگون است، نشانه این است که با قدرت الهی، ظالمان سرنگون می‌شوند؛ ولی در مورد نماد یا پیشی ستاره داوود، اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را سپر حضرت داوود می‌دانند ولی برخی دیگر شکل‌گیری این ستاره را از قرن ششم و هفتم میلادی می‌دانند که براساس عرفان یهود، دارای ارزش‌های متفاوتی است.»^(۱)

صهیونیسم که پدیده‌ای بی‌ریشه و فاقد هویت تاریخی است، با مصادره همه آنچه در تاریخ یهود آمده، درصدد ایجاد هویت تاریخی برای خویش است
از این رو، ستاره شش‌گوش را به یهود منسوب کرده و هر جاثری از نقش ستاره شش‌گوش می‌یابد، آن را به یهود- و در واقع به خود- نسبت می‌دهد
تا برای خود، هویتی تاریخی و پیشینه‌ای تمدنی دست‌وپا کند.

دیگر دولت بی‌اصل و بی‌ریشه است، «تمدن و فرهنگ یک مردم است‌ها را به خودش نسبت می‌دهد، حتی مدعی شده است که تمدن قدیم مصری دارای اصل یهودی است و آنان که اهرام را بنا نهند،د، عبرانیون بوده‌اند!»
جالب‌تر این است که وی از قول دکتر صلاح بهنسی استاد باستان‌شناسی اسلامی در دانشگاه‌های قاهره و یمن نقل می‌کند که «ستاره- چه پنج ضلعی، چه شش ضلعی و هفتم هجری) ستاره شش‌پر، به عنوان نماد یهود شناخته می‌شده است»
براساس پژوهش گرشوم شولوم (Gershom Scholem) فیلسوف و تاریخ‌پژوه آلمانی- اسرائیلی، هنجستی که امروزه از این نقش شکل گرفته (که ستاره شش‌پر، همواره نماد یهودیت بوده)، منطق

مرتضی بهرامی خشنود

صفحه ۶
پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴
۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۸۰

چراغ راه

نتیجه عدم اجرای عدالت

قال النبی(ص): «إذا حکموا بغير عدل ارتفعت البرکات.»
پیامبر اکرم(ص) فرمود: هنگامی که به غیر عدالت حکم کنند، برکت‌ها از بین می‌رود.^(۱)

۱- معدن الجواهر، محمدان علی کراجکی، ص ۷۳

حاکیت خوبان

ره‌توشه‌های مستمر پس از مرگ

پیامبر اکرم(ص) فرمود: هفت سبب (از اسباب خیر) است که ثوابش برای بنده خدا، بعد از مرگ او نوشته می‌شود. ۱- کسی که نخلی بکارد ۲- یا چاه آبی حفر کند ۳- یا نه‌ری به جریان اندازد ۴- یا مسجدی بنا کند ۵- یا قرآنی(و یا کتابی سودمند) بنویسد ۶- یا علمی از خود به یادگار بگذارد ۷- یا فرزند صالحی بعد از او بماند که پس از درگذشت او برایش استغفار کند.^(۱)

۱- میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۲۳، ماده عمل

پرسش و پاسخ

بسترها و شرایط تاثیر گذاری جنگ نرم(۳)

پرش:

چه عوامل،بسترها و شرایطی موجب می‌شود جنگ نرم دشمنان تاثیر گذار بوده و به اهداف مورد نظر خود برسند؟

پاسخ:

در دو بخش قبلی پاسخ به این سوال به عواملی همچون: ۱- ضعف باورها و سستی ایمان ۲- ضعف نفس(نر پروری، تنبلی و افسار گسیختگی) ۳- تعصب قبیله‌گرایی و نژادپرستی پرداختیم؛اینک در ادامه دنباله مطلب را بی می‌گیریم:

نقئ تعصب، قبیله‌گرایی و نژادپرستی در قرآن

۱- قرآن کریم فلسفه اصلی اختلاف رنگ، پوست، زبان، قبیله و نژاد را بازشناخت ملیت‌ها و اقوام از هم می‌داند و می‌فرماید: ما شما را از ملت‌ها و قبیله‌ها جدا داریم تا یکدیگر را بشناسید. (حجرات- ۱۳)
۲- قرآن کریم، نژادپرستی و افتخارات قومی و قبیله‌ای را مانع حق‌پذیری و عامل ستمگری و حق‌شکنی دانسته و بیشتر اعراب و یهود را دارنده این خصلت ناپسند توصیف می‌فرماید: «هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم (غیرعرب‌ها) نازل می‌کردیم و آن حضرت آن را برایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند.» (شعراء- ۱۹۸ و ۱۹۹)
آری چنین‌سری، ایمان‌گریزی و پافشاری بر فرهنگ جاهلی، ریشه در تعصب‌های قومی و نژادی دارد و امروزه همین خصلت‌های منفی، بسترها و زمینه‌های جنگ نرم را برای تاثیر گذاری و نفوذ برای استکبار جهانی و استعمارگران علیه اسلام ناب فراهم کرده است. آنان تا تحریک عصبیت‌های قومی و نژادی، در اختلافات زده وحدت مسلمانان را نشانه رفعت‌داد و عرب را مقابل عجم، سستی را مقابل شیعه و... قرار داده‌اند، و بدین طریق اهداف شوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را پی می‌گیرند.
همین تفکر نژادپرستی و قوم‌گرایی اروپایی‌ها و امریکایی‌هاست که امروزه سبب پیدایش رویحه خود بزرگبینی و استکباری آن شده است و صهیونیسم بین‌الملل با همین دستکاریه به عنوان پادگان نظامی غرب در میان احاد یک جامعه گسل و تفرقه ایجاد کرده و به جنایات نسل‌کشی و نژادپرستی خود در غزه و فلسطین ادامه می‌دهد.

نقئ تعصب، قبیله‌گرایی و نژادپرستی در روایات

با توجه به ویرانگر بودن تعصب‌های جاهلی و قوم‌گرایی و نژادپرستی، روایات اسلامی ضمن تبیین ماهیت و عملکرد تعصب‌های جاهلی در جنگ نرم، مسلمانان را سخت از آثار شوم آن پرهیز و هشدار داده‌اند:

۱- امام علی(ع) می‌فرماید: «شرارهای تعصب و کینه‌های جاهلیت را که در دل‌هایتان پنهان شده خاموش سازید، زیرا این نخوت و تعصب ناروا که در مسلمانان پیدا می‌شود از القاتلانی سزاید و نخوت‌ها و فسادها و وسوسه‌های او است(نهیج‌البلاغه- خطبه ۱۹۲، بند ۲۲)
در این تغییر امام علی(ع) تعصب‌های ناروا و کینه‌های جاهلیت را تشبیه به آتشی کرده است که در اعماق دل‌ها کمین می‌کند، ناگهان سر بر می‌آورد و همه وجود انسان را فرا می‌گیرد و از آن به بیرون سربایت می‌کند و گاه قوم و قبیله‌ای را به آتش می‌کند.
۲- پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هرکس در دلتش به اندازه شمشیر خردلی عصبیت داشته باشد، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محصور می‌کند.» (الکافی، ج ۳، ص ۳۰۸)

۳- امام صادق(ع) می‌فرماید: «هرکس تعصب ورزد یا در مورد او تعصبی اعمال شود، به راستی که بند ایمان و بندگی خداوند از او دراشته شده (همان، ص ۳۰۷)

۴- حرام‌خواری و درآمدهای نامشروع

از دیگر بسترها و زمینه‌هایی که دشمنان اسلام را در جنگ نرم یاری می‌بخشد، حرام‌خواری و درآمدهای نامشروع مانند: رشوه، کپ‌فروشی، تقلب، غش در معامله، احتکار و... است. حرام‌خواری روح رذ و حق و حقیقت نرفتن، می‌کند. این سم مهلک آثاری همانند: سنگدلی، زیر بار حق و حقیقت نرفتن، ذلت و ظلم پذیرفتن، به زایل اخلاقی و باطل گراییدن و... برجامی می‌گذارد. امام حسین(ع) به سبیه عمر سعد فرمود: «حقا که شکم‌میانان از مال حرام پر شده و بر دل‌هایشان هم خورده است.»(مقتل خوزامی، ج ۲، ص ۱۹)
قیح حرام‌خواری و درآمدهای نامشروع در قرآن
آیاتی چند از قرآن کریم به بیان قبح حرام‌خواری و کسب‌های نامشروع و مصایق‌های آن پرداخته و مومنان را از ورود به حریم آنها نهی کرده است.
۱- خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل (و از راههای نامشروع، تخویر، دگر رنگت تجارتی با رضایت طرفین منتهی انجام گیرد و خود کشی نکند، خداوند تمام به شما مهربان است. (نساء- ۲۹)
آیه یزیرنای قوانین اسلامی در معاملات و مبادلات مالی است. بنابراین هرگونه تجاوز، طلب، کلاهبرداری، غش در معامله، معاملات ربوی و... تحت یک قانون کلی قرار دارند. ارتباط میان قتل نفس و حرام‌خواری اشاره به یک نکته مهم اجتماعی است که اگر درابط مالی مردم براساس حقیقت استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و مردم در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار خودکشی و انتحار می‌شود.

(الله داد)

سلوک عارفانه

جنبه‌های مثبت و منفی احساسات ملی

احساسات ملی تا آنجا که جنبه مثبت داشته باشد، و نتیجه‌اش خدمت به هموطنان باشد قابل توجه است ولی آنجا که جنبه منفی به خود می‌گیرد و موجب تبعیض در فضاوت، در دیدن و ندیدن خوبی‌ها و بدی‌ها و جانب‌داری می‌شود ضد اخلاقی و ضد انسانیت است. توجه داریم که امروزه عالی تری از منطقی احساسات ملی و ناسیونالیستی وجود دارد که طبق آن منطق، علم و فلسفه و دین فوق مرحله احساسات است... یک مسئله علمی یا یک نظریه فلسفی یا یک حقیقت دینی را هرگز به دلیل اینکه علمی و وطنی است نمی‌توان پذیرفت، همچنان که به بهانه اینکه بیگانه است، عجمی است نمی